

بر آورد شاخص‌های حمایتی صنایع کاغذسازی کشور با تأکید بر اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز^۱

نویسنده: یحیی فتحی*

چکیده

یکی از شیوه‌های اطلاع یافتن از میزان فعالیت‌ها در صنایع مختلف، اندازه‌گیری نرخ حمایت اسمی و مؤثر آنها است که در این مقاله کوشش شده تا با محاسبه نرخ حمایت اسمی و مؤثر، اثرهای یکسان‌سازی نرخ ارز بر وضعیت حمایت از صنایع کاغذسازی کشور، در جهت اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، بررسی شود. بدین منظور، ابتدا نرخ حمایت اسمی منتخبی از محصولات کارخانجات کاغذسازی کشور اندازه‌گیری و تأثیر تغییر در نرخ ارز در سه حالت نرخ ارز دریافتی (یارانه‌ای)، نرخ ارز آزاد و نرخ ارز سایه‌ای بر آن ارزیابی شده است. سپس با محاسبه نرخ حمایت مؤثر، تأثیر تغییرات نرخ ارز از نرخ یارانه‌ای به نرخ آزاد بر میزان حمایت مؤثر از صنایع کاغذسازی کشور، تجزیه

۱. این مقاله از طرح «بررسی اثرات یکسان‌سازی نرخ ارز بر نرخ حمایت مؤثر از صنایع کارخانه‌ای ایران – مورد کاغذ و مقوا» که از سوی مؤلف در مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی انجام و در سال ۱۳۸۲ خاتمه یافته، استخراج شده است.

* پژوهشگر و عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

و تحلیل شده است. در این محاسبات نرخ ارز آزاد به عنوان نرخ ارز تحت شرایط یکسان‌سازی منظور شده است.

مقدمه

سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز یکی از سیاست‌هایی است، که به منظور واقعی کردن قیمت کالاها و خدمات و حذف حمایت‌های غیرضروری از صنایعی که به واسطه وجود اختلاف (رانت) میان نرخ رسمی و آزاد ارز، از توان کاذبی نسبت به سایر صنایع رقیب برخوردار هستند، اعمال می‌گردد. این مسئله اگرچه می‌تواند تبعات منفی از نظر رشد قیمت‌ها و در نتیجه کاهش سطح رفاه جامعه به خصوص اقشار آسیب‌پذیر بر جای گذارد، به جهت حفظ منابع، تخصیص بهینه منابع و فرصت‌ها، جلوگیری از قاچاق و واقعی‌تر کردن الگوی تجارت خارجی کشور..... توصیه می‌گردد. در حال حاضر علاوه بر دلایل فوق، موضوع پیوستن به سازمان تجارت جهانی و برخورداری از تسهیلات الحاق به این سازمان نیز مورد بحث است. چرا که کشورها برای رسیدن به شرایط لازم برای الحاق معمولاً باید تعدیلات و تغییراتی را در ساختار اقتصادی خود متقبل شوند. در این باره اعمال نرخ واحد ارزی، حذف یارانه‌ها، حذف و کاهش موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای و ... از جمله سیاست‌هایی است که از سوی دولت‌های متقاضی عضویت در این سازمان می‌بایست به اجرا گذاشته شود. در این میان یکسان‌سازی نرخ ارز از مهم‌ترین این سیاست‌هاست که اجرای آن می‌تواند پاره‌ای تبعات اقتصادی را به دنبال داشته باشد.

در این مقاله تلاش شده است، ضمن بیان مفهوم یکسان‌سازی نرخ، آثار یکسان‌سازی نرخ ارز، از جنبه نظری و شواهد تجربی سایر کشورها، بر حمایت مؤثر از صنایع کارخانه‌ای مورد مذاقه قرار گرفته و سپس با محاسبه نرخ حمایت اسمی و مؤثر در مورد صنایع کاغذسازی کشور، اثرهای یکسان‌سازی نرخ ارز بر نرخ حمایت مؤثر از این صنایع از دو روش کوردن و بالاسا و نیز در نظر گرفتن یارانه‌های پرداختی به صنایع مذکور، ارزیابی و تجزیه و تحلیل شود.

در خاتمه نیز، ضمن جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مباحث و بررسی‌های ارائه شده، توصیه‌های سیاستی لازم به منظور مواجهه با اثرهای بازدارنده سیاست یکسان سازی نرخ ارز بر رشد و توسعه صنعتی صنایع کاغذسازی کشور ارائه شده است.

۱. مبانی نظری و مطالعات انجام شده

اصولاً یکسان‌سازی نرخ ارز و تک‌نرخی نمودن آن در مقابل نرخ ارز دوگانه و چندگانه قرار دارد. بر همین اساس نیز این سیاست، نظرهای مخالف و موافق مختلفی به دنبال دارد (کیگوئل و اوکانل، ۱۹۹۷). طی سال‌های اولیه پس از جنگ جهانی دوم و نیز دوره کنار گذاشتن نظام نرخ ارز تثبیت شده و انتقال به نرخ‌های ارز شناور در اوایل دهه ۱۹۷۰، اقتصاددانان از برقراری نظام دو نرخ ارز به عنوان راهی برای حفظ ذخایر بین‌المللی و نیز حفاظت از قیمت کالاهای مورد مبادله در مقابل تکانه‌های خارجی دفاع می‌کردند (تریفین ۱۹۷۴). در سال‌های اخیر نیز دورنبوش (۱۹۸۶) و دورنبوش و کانزler (۱۹۹۳) از کاربرد نظام دو نرخ ارز در کشورهای در حال توسعه، به‌عنوان راهی برای اجتناب از تکانه‌های مرحله گذار اقتصادی از طریق تأثیرگذاری بر حساب سرمایه و دستمزدها و قیمت‌ها دفاع کرده‌اند. بنابراین، مخالفان نظریه یکسان‌سازی نرخ ارز دو دلیل عمده «حفاظت از ذخایر بین‌المللی» و «قیمت‌ها» در مقابل تکانه‌های اقتصادی را برای کشورهای در حال توسعه بیان نموده‌اند.^۱

مفهوم نرخ مؤثر حمایت برای سنجش اثر مشترک حمایت از ستاده‌ها و نهاده‌ها بر فعالیت تولیدی و بررسی اثرهای آنها بر تخصیص منابع مطرح شده است. نخستین کار این شاخص نشان دادن درصد تغییر قیمت ارزش افزوده در نتیجه شرایط اقدام‌های حمایتی است که به‌عنوان نرخ مؤثر حمایت مورد استفاده واقع می‌شود. دومین کار این شاخص پیش‌بینی تغییرات مقدار

۱. برای توضیحات بیشتر به اصل طرح و منابع معرفی شده در انتهای مقاله مراجعه شود.

ارزش افزوده است. قیمت و مقدار ارزش افزوده با این فرض تعریف شده که تابع تولید، قابل تجزیه به عوامل اولیه و نهاده‌های واسطه‌ای است. یعنی کشش جانشینی بین هر جفت از عوامل اولیه و نهاده‌های واسطه‌ای همانند است. با این فرض مفهوم حمایت مؤثر می‌تواند برای نشان دادن اثر اقدام‌های حمایتی بر تغییرات در قیمت ارزش افزوده و پیش‌بینی تغییرات در مقدار ارزش افزوده، که در نتیجه تغییری کوچک در حمایت از یک فعالیت تولیدی پدید آمده است، مورد استفاده قرار گیرد. هرگاه میانگین وزنی نرخ‌های اسمی حمایت نهاده‌های قابل مبادله در یک بخش از میانگین وزنی نرخ‌های اسمی حمایت تولید آن بیشتر باشد، نرخ مؤثر حمایت منفی بوده و مبین تبعیض علیه آن بخش در شرایط نرخ تسعیر موجود است. از سوی دیگر، در بخش‌هایی که ارزش افزوده به قیمت‌های بازار جهانی منفی است، مانند موردی که ارزش بازار جهانی نهاده‌های قابل مبادله از ارزش بازار جهانی تولید بخش بیشتر باشد، حمایت مؤثر در بالاترین حد است.

یک ترکیب حمایتی ممکن است ناشی از یک سیستم تعرفه‌ای، سوبسیدهای صادراتی و... نبوده، بلکه ناشی از یک سیستم نرخ چندگانه ارزی باشد. این قبیل سیستم‌ها، تا چند سال قبل در کشورهای کمتر توسعه یافته به خصوص در امریکای لاتین متداول بوده است. سیستم‌های چندگانه ارزی از چند نظر با سیستم‌های تعرفه، یارانه‌های صادراتی و... تفاوت دارند: نخست اینکه آنها به وسیله مقامات پولی (معمولاً بانک مرکزی) تهیه و تنظیم می‌شوند و معمولاً منافع بانک مرکزی و سیاست‌های پولی در آنها پررنگ‌تر دیده می‌شود، در حالی که مالیات‌های وارداتی و صادراتی عموماً از سوی وزارتخانه‌ای از دولت مرکزی تعیین و اداره می‌گردند، و درآمد مربوطه به خزانه دولت می‌رود. دوم اینکه، نرخ‌های چندگانه ارزی به وسیله فراهم بودن ارز خارجی در مرکز (نقطه) مالی مبادله اعمال می‌شود، در حالی که مالیات‌های وارداتی و صادراتی از طریق کنترل گمرکات در مرزها و بنادر اعمال می‌گردد و به وسیله یک سری محظورات و عرف‌های بین‌المللی محدود شده یا تحت تأثیر قرار می‌گیرند. سوم اینکه، در اغلب کشورها تغییرات نرخ ارز نیازی به مصوبه یا تأیید مجلس قانونگذاری ندارد، در حالی که مالیات‌های وارداتی و صادراتی در

بودجه دولت منظور می‌شوند و مستلزم کنترل مجلس هستند. چهارم اینکه یک سیستم چند نرخه این امکان را به وجود می‌آورد که نرخ‌های متغیری برای جا به جایی‌های سرمایه و نیز مبادلات پنهانی (نامرئی) به کار رود، در حالی که با یک سیستم تعرفه - مالیات و سوبسید صادراتی - معمولاً به نقل و انتقالات سرمایه، مالیات و سوبسید تعلق نمی‌گیرد (اگر چه ضرورتی هم ندارد که تعلق بگیرد).

اینها تفاوت‌های عمده هستند، لیکن آنچه مورد سؤال واقع می‌شود این است که نخست، نرخ‌ها به چه طریقی در محاسبه نرخ مؤثر حمایت وارد می‌شوند. دوم، بعد از یکسان‌سازی نرخ ارز و تک‌نرخی نمودن ارزهای چندگانه نرخ مؤثر حمایت چگونه متأثر می‌شود؟

در مورد سؤال اول در واقع باید گفت که می‌توان هر نرخ ارزی را به‌طور اتفاقی انتخاب کرد و سیستم را بر حسب ترکیبی از تعرفه وارداتی و مالیات صادرات بیان کرد. آن وقت روش تجزیه و تحلیل کردن یک سیستم پیچیده از سیستم‌های چندگانه ارزی به این صورت است که؛ اول یک نرخ ارز اختیاری (دلخواه) انتخاب و به عنوان نرخ پایه تعریف می‌شود. همچنین می‌توان نرخ که در کشور مربوط به عنوان «نرخ رسمی» تعیین شده است انتخاب کرد، اگر چه هر نرخ دیگری می‌تواند انتخاب شود. سپس کلیه نرخ‌های واقعی که به واردات تعلق می‌گیرند و برای صادرات پرداخت می‌شوند می‌توانند به نرخ‌های اسمی یارانه‌های وارداتی، مالیات‌های صادراتی و یارانه‌های صادراتی تبدیل شوند. سپس این سری نرخ‌های اسمی با تبدیل به یک سری نرخ‌های مؤثر برای هر محصول می‌شود و مقیاس نرخ‌های اسمی و مؤثر به‌دست آمده تفسیر می‌شود. در حالت کلی می‌توان گفت، در شرایط نظام چند نرخه ارز محصولات با نرخ‌های مؤثر بالا نسبت به محصولات با نرخ‌های مؤثر پایین، بر اساس برتری نسبی قیمتی که سیستم حمایتی نصیب آنها می‌کند، سود خواهند برد.

از سوی دیگر، وقتی که نرخ رسمی ارز ثابت باشد و نرخ آزاد آن نسبت به فشارهای بازار واکنش نشان دهد، در یک دوره تورمی داخلی به احتمال زیاد تفاوت بین نرخ رسمی و آزاد ارز زیاد شده، و به آن دسته از تولیدکنندگان رقیب واردات، که می‌توانند نهاده‌های مورد نیازشان را با

نرخ رسمی خریداری کنند (در حالی که بابت واردات رقیب آنها باید با نرخ آزاد پرداخت شود) امتیاز داده می‌شود. این امر باعث می‌گردد که در طول زمان، حرکت منابع تولید به سمت صنایع مورد حمایت افزایش یابد.

۲. شواهد تجربی: نحوه بهره‌گیری کشورهای مختلف از سیاست‌های ارزی

تانزانیا. دانیل کافمن و استفن اوکانل در سال ۱۹۹۹ سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در کشور تانزانیا را بررسی کرده‌اند.^۱ هرچند قسمت اعظم مطالعه مزبور به بررسی چگونگی توسعه و تکامل تدریجی بازار موازی ارز در تانزانیا طی دوره ۱۹۶۷ تا ۱۹۹۰ اختصاص یافته، به اعتقاد این دو، با توجه به ویژگی‌های کشورهای تانزانیا، نتایج مطالعه انجام شده برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه که دارای سیستم کنترل ارزی شدیدی هستند، قابل کاربرد است.

براساس این مطالعه، تانزانیا دارای نظام تجاری و نظام پرداخت‌های باز است که توسط سیاست‌های مالی و پولی محافظه کارانه‌ای حمایت می‌شود. این سیاست‌ها ثبات شیلینگ تانزانیا را تا سال ۱۹۶۵ حفظ نمود. اما بیانیه آروشا^۲ در سال ۱۹۶۷ یک اتحاد مجدد و اساسی را تحت عنوان خود اتکایی و سوسیالیزم آفریقایی ایجاد کرد. بنابراین طی دو دهه پیروی این کشور از بیانیه آروشا، نرخ ارز در بازار موازی آن ماهانه به طور متوسط ۲/۵ درصد افزایش یافت؛ که این رقم در مقایسه با سرعت تغییرات نرخ رسمی ارز (۰/۸ درصد در ماه) بیش از ۳ برابر بود.

بدین ترتیب، اوایل سال ۱۹۸۶ نرخ ارز بازار موازی بیش از ۸۰۰ درصد بالاتر از نرخ ارز رسمی بود. بدین جهت اصلاحات تجاری و نیز اصلاح نرخ ارز، هسته مرکزی برنامه بهبود اقتصادی تانزانیا را در سال ۱۹۸۶ تشکیل می‌داد. هدف اصلی برنامه بهبود اقتصادی مذکور حرکت تدریجی اما معین و دقیق به سمت یک بازار ارز واحد طی یک دوره ۸ ساله بود. اوایل سال ۱۹۹۰ یعنی حدود ۴ سال بعد از اجرای این برنامه، فاصله نرخ رسمی و بازار موازی ارز به

۱ . Daniel Kaufman & Stephen A.Oconnell (Feb ۱۹۹۹).

۲ . Arusha Declaration

۵۰ درصد سقوط کرد. اما در ابتدای سال ۱۹۹۲ دولت تانزانیا دفاتر ارز خارجی^۱ را تأسیس نمود و به این دفاتر اجازه داد تا به معامله ارزهای خارجی به نرخهایی که به طور آزادانه تعیین می‌شد، بپردازند. البته این معاملات فقط مربوط به معاملات حساب جاری می‌شد. با اجرای این سیاست، فاصله بین نرخ رسمی و نرخ که این نهادها به کار می‌بردند به سرعت کاهش یافت و به زیر ده درصد رسید. به بیان دیگر، نرخ موازی ارز حدود ۱۰ درصد بالاتر از نرخ به کار رفته در این دفاتر بود، تا اینکه در سال ۱۹۹۳ دولت تانزانیا تقریباً تمام محدودیت‌های باقی مانده بر معاملات ارز خارجی را برای معاملات حساب جاری از میان برداشت و در اواخر آن سال بازار رسمی و بازار مربوط به دفاتری که ایجاد شده بود، رسماً یکی گردید.

اما نکته مهمی که محققان نامبرده در مورد یکسان‌سازی نرخ ارز و کلاً بازار ارز واحد در تانزانیا اشاره می‌کنند این است که، سیاست یکسان‌سازی مزبور همراه با افزایش تورم و انتظارات تورمی نبوده است. به طوری که طبق شواهد مورد بررسی، یکسان‌سازی نرخ ارز رشد پولی (نقدینگی) و فشار تورمی را کاهش داده است. این مطلب با استفاده از تکنیک‌های شبیه‌سازی^۲ و آزمون‌های اقتصادسنجی نیز به اثبات رسیده است. بنابراین یکسان‌سازی نرخ ارز در تانزانیا برخلاف نظریه‌های مرسوم که در مورد افریقا و بعضی از مناطق دیگر نیز مصداق داشته، هزینه‌های دولت را - از دیدگاه مالی - افزایش نداده است. به عبارت دیگر، هیچ رابطه معنی‌داری بین یکسان‌سازی تدریجی نرخ ارز و افزایش هزینه‌های مالی دولت تانزانیا مشاهده نشده است. بدین ترتیب دولت تانزانیا موفق گردید در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰، همزمان با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، رابطه متقابل بین تورم و افزایش نرخ موازی ارز را کنترل نماید. کافمن و اوکانل علت اصلی امر را کاهش کسری بودجه دولت تانزانیا از ۲۰ درصد در سال ۱۹۷۹ به ۷/۵ درصد در سال ۱۹۸۵ و نیز توسعه مدیریت و انضباط مالی دولت بر طبق برنامه اصلاحات اقتصادی عنوان می‌کنند. علاوه بر این، اثر مستقیم فشار هزینه ناشی از کاهش ارزش اسمی پول

۱ . Foreign Exchange Bureaus

۲ . Simulation

در نیمه دهه ۱۹۸۰، با درک این حقیقت که قیمت‌های داخلی به طور گسترده‌ای در حاشیه^۱ و توسط نرخ ارز بازار موازی تعیین می‌شوند تا نرخ رسمی ارز، به حداقل ممکن کاهش یافت.

امریکای لاتین. کشورهای آمریکای لاتین نیز در زمینه نظام‌های نرخ ارز و به طور کلی سیاست‌های ارزی تجربیات گسترده‌ای را ارائه نموده‌اند. این کشورها در زمان‌های مختلف سیاست‌های ارزی متفاوتی را با توجه به اهدافی نظیر کنترل تورم، کاهش نوسانات نرخ ارز یا تقویت رقابت‌پذیری صنایع داخلی در مقابل رقبای خارجی به کار گرفته‌اند.

اما یکی از ضعف‌های اساسی در به کارگیری سیاست‌های ارزی در کشورهای امریکای لاتین این است که فرض می‌شود دولت حداکثر کننده رفاه اجتماعی است. این رویکرد به سیاست‌های ارزی، به ویژه یکسان سازی نرخ ارز، به دو دلیل عمده ایجاد مشکل می‌کند؛ نخست اینکه اجماع واحدی در انتخاب نظام نرخ ارز در دستیابی به رفاه وجود ندارد، به طوری که حتی در یک دولت خیرخواه^۲ نیز اختلاف نظرهای کارشناسی نسبتاً شدید وجود دارد. دلیل دوم و مهم‌تر اینکه فرض چنین دولت خیرخواهی به سختی در حوزه‌های نظری و تجربی قابل تأیید است. از این نظر، بررسی‌های جدید سیاست نرخ ارز صراحتاً متغیرهای اقتصاد سیاسی را در نظر می‌گیرند. براین اساس مطالعات انجام شده در کشورهای توسعه یافته به خصوص در اروپا به اثرهای بنگاهی، مسائل انتخاباتی و علایق گروهی در سیاست‌های جاری توجه نموده است. مطالعات برن هارد و لیلینگ (۱۹۹۷)، بلمبرگ و هس (۱۹۹۷)، ایکن گرین (۱۹۹۵)، فریدن (۱۹۹۴ و ۱۹۹۸) و هفکر (۱۹۹۷) از جمله این مطالعات بوده‌است.^۳

شاتز و تار^۴ نیز با بررسی اثرهای سیاست‌های ارزی کشورهای مختلف اذعان داشته‌اند که اگرچه نظام ثابت و متغیر ارزی هر یک دارای مزایا و معایبی هستند، در حال حاضر بیشتر از نیمی از کشورهای جهان از نظام ثابت و مدیریت شده نرخ ارز استفاده می‌نمایند. نرخ ارز در بیشتر

۱ . Margin

۲ . Benevolent Government

۳ . Jeffry Frieden, Piero Ghezzi and Ernesto Stein (۱۹۹۹).

۴ . Howard J. Shatz & David G. Tarr (۱۹۹۸).

کشورهای جهان به ارزشگذاری بیش از حد^۱ نرخ واقعی ارز و در برخی موارد به تغییرات فاحشی در اقتصاد منتهی گردیده است^۲، به طوری که در میان ۱۶۰ کشور مورد بررسی نرخ رسمی ارز در ۳۸ کشور دارای بیش از ۱۰ درصد مابه‌التفاوت با بازار سیاه بوده است؛ که از این ۳۸ کشور نیز ۱۹ کشور، اختلافی بیش از ۲۵ درصد، ۱۰ کشور اختلافی بیش از ۵۰ درصد و ۹ کشور (افغانستان، الجزایر، آنگولا، عراق، جمهوری دموکراتیک خلق کره، لیبی، لیبیا، سومالی، میانمار) اختلافی بیش از صددرصد را بین نرخ رسمی و نرخ بازار سیاه ارز تجربه کرده‌اند. اگرچه بسیاری از کشورها در طول دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ اقدام به آزادسازی تجاری نموده‌اند، اما برخی از دولت‌ها همچنان سعی داشته‌اند از ارزش پول خود دفاع نمایند که البته این امر عملاً در تقابل با اثرهای آزادسازی تجاری بلندمدت در این نوع کشورها بوده است.

شواهد تجربی نشان می‌دهد که پافشاری در دفاع از نرخ ارز حرکت از رشد میان مدت به بلندمدت کشورها را به تأخیر می‌اندازد. در واقع نرخ ارز غیر واقعی (بیش از حد ارزشگذاری شده) ناشی از سیاست‌های حمایتی مانعی برای کشور در دستیابی به سیاست‌های آزادسازی تجاری است که در آن رشد کشور بدون توجه به تعدیل نرخ ارز ایجاد می‌گردد. علاوه بر این، کم کردن ارزش نرخ ارز اسمی شرط ضروری انجام کاهش بیشتر نرخ ارز واقعی است. بدین ترتیب، تمامی کاهش‌های واقعی (بالای ۲۵-۳۵ درصد) با کاهش‌های اسمی نرخ ارز همراه بوده‌اند (گی و هینکل، ۱۹۹۹).

ترکیه: کروگر (۱۹۹۵) سه واقعه را پس از جنگ جهانی دوم برای ترکیه شناسایی کرده است که به اعتقاد وی حاصل مشکلات ایجاد شده ناشی از ارزشگذاری بیش از حد نرخ ارز و عجین شدن آن با محدودیت واردات است. در این دوره همانند امریکای لاتین، در ترکیه نیز استراتژی (راهبرد) جایگزینی واردات دنبال می‌شد. در آغاز سال ۱۹۵۳ صادرات رشد یافته و تورم نیز بالا رفت، ضمن اینکه همراه بودن تورم با نرخ ثابت ارز به مفهوم تقویت نرخ واقعی ارز است که در

۱ . Overvaluation

۲ . Global Currency Report (۱۹۹۹).

تناقض با هدف توسعه صادرات است. پیروی از این سیاست متناقض باعث شد تا در دوره مذکور ارزشهای خارجی در کشور ترکیه کمیاب گردد، طوری که دولت این کشور در سال ۱۹۵۴ مجبور به برقراری محدودیت‌های وارداتی گردید. از سوی دیگر، در سال ۱۹۵۷ با افت درآمدهای صادراتی و محدود شدن واردات، اقتصاد داخلی ترکیه با خطر جدی‌تری مواجه گردید، طوری که در سال ۱۹۵۸ نتوانست واردات خود را تأمین مالی نماید. دامنه وخامت تا جایی بود که این کشور حتی قادر به تأمین سوخت مورد نیاز برای حرکت کامیون‌ها و وسایط نقلیه نیز نبود. در نتیجه دولت ترکیه طرح تثبیت صندوق بین‌المللی پول (IMF) را که ترکیبی از کاهش ارزش پول، آزادسازی واردات و اعمال سیاست‌های پولی و مالی بود، پذیرفت. به دنبال این سیاست، GDP واقعی که دچار کاهش شده بود، به سرعت در نتیجه دسترسی به واردات شروع به رشد نموده، تورم کاهش یافت و درآمدهای صادراتی نیز رشد یافت. در دهه ۱۹۶۰ ترکیه در میان کشورهای در حال توسعه سریع‌ترین رشد را به خود اختصاص داد.

پس از دهه ۱۹۶۰، نرخ ارز ترکیه مجدداً ارزشگذاری شد که منتهی به تعدیل نرخ تورم در طول دهه مذکور (با نرخ معادل ۵ تا ۱۰ درصد در سال) و ثابت ماندن نرخ ارز رسمی گردید. در این دوره با توجه به غیر واقعی بودن نرخ ارز و ارزشگذاری بیش از حد آن، تقاضا برای واردات و محدودیت‌های صادراتی مجدداً باعث کمیابی ارز خارجی در این کشور گردید. در نتیجه، مشکل دستیابی به واردات به نزول تولید و سرمایه‌گذاری واقعی منتهی گردید. در سال ۱۹۷۰ دولت ترکیه برای مقابله با این وضعیت اقدام به کاهش اسمی ارزش پول نمود که در نتیجه آن صادرات تا حد زیادی رشد یافت و به دنبال آن این کشور رشد سریع اقتصادی را در سال ۱۹۷۵ تجربه کرد.

سومین حادثه در پایان دهه ۱۹۷۰ اتفاق افتاد، به طوری که کمبود قابل ملاحظه منابع مالی، ضعف تعدیل قیمت داخلی نفت به دنبال شوک (تکانه) نفتی ۱۹۷۳ و نرخ ارز بیش از حد ارزشگذاری شده، تورم را به شدت بالا برد و بحران جدیدی را در این کشور ایجاد نمود. در نتیجه این کشور برای بار دیگر با محدودیت واردات، کاهش واقعی تولید و کاهش درآمد مواجه گردید.^۱

۱. Howard J. Shatz & David G. Tarr, Ibid.

بدین ترتیب چنانچه ملاحظه می‌شود، نرخ ارز و سیاست‌های ارزی نقش تعیین‌کننده‌ای در وضعیت اقتصادی کشورها داشته، و نوسانات نرخ ارز و سیاست‌های ارزی بدون اغراق تمامی شاخص‌های اقتصادی و در نتیجه اهداف و سیاست‌های توسعه اقتصادی صنعتی و تجاری کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این شرایط دولت‌ها می‌توانند از نرخ ارز و سیاست‌های ارزی به عنوان ابزار مهمی برای جهت‌دهی به روندهای اقتصادی و دستیابی به اهداف مشخص اقتصادی بهره‌گیرند. یکی از این حوزه‌های تأثیرگذاری، حمایت‌های صنعتی است. به عبارت دیگر، سیاست‌های ارزی از هر جهت می‌تواند در خدمت سیاست‌های حمایتی دولت‌ها قرار گیرد. در این قسمت ضمن مروری بر روش تحقیق، نحوه محاسبه میزان حمایت‌های صنعتی و نیز تأثیرپذیری حمایت‌های اسمی و مؤثر موجود در صنایع کاغذسازی کشور (به عنوان نمونه‌ای از صنایع تحت حمایت) از سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز را بررسی می‌کنیم.

۳. روش تحقیق

۳-۱. نرخ حمایت اسمی

برای محاسبه نرخ حمایت اسمی محصولات تولیدی شرکت‌های کاغذسازی کشور از فرمول زیر استفاده می‌شود:

$$d_i = \frac{p_i' - p_i^\circ}{p_i} \quad (1)$$

که در آن p_i' قیمت محصول نهایی i در بازار داخلی، p_i° قیمت وارداتی یا صادراتی کالای i و d_i نرخ حمایت از محصول نهایی است. چنانچه دولت بخواهد کالای خاصی را از طریق برقراری نرخ ارز حمایتی بر واردات مواد اولیه آن کالا حمایت کند، در آن صورت نرخ حمایت اسمی را می‌توان به وسیله اختلاف نرخ‌های برابری آن کالای خاص به صورت زیر به دست آورد:

$$\begin{aligned} p'_i &= a'_i r' \\ p_i &= a_i r \end{aligned} \quad (2)$$

روابط بالا قیمت‌های داخلی کالای i را در شرایط نرخ ارز حمایتی و نرخ ارز آزاد در قیمت بازار جهانی به تصویر می‌کشد، که در آن، a_i قیمت بازار جهانی کالای i با ارز خارجی، r نرخ برابری ارز آزاد، r' نرخ برابری ارز حمایتی، p'_i قیمت داخلی کالا در شرایط حمایتی و p_i قیمت داخلی کالا در شرایط تجارت آزاد، است. با جایگذاری رابطه (۱) در رابطه (۲) خواهیم داشت:

$$d_i = \frac{a_i r' - a_i r}{a_i r} \Rightarrow d_i = \frac{r' - r}{r} = \frac{r'}{r} - 1 \quad (3)$$

در فرمول‌های (۱) و (۳) چنانچه d_i مثبت باشد حاکی از حمایت اسمی مثبت است یا به تعبیری می‌توان گفت که از تولید محصول i در شرایط مورد بررسی به طور اسمی حمایت می‌شود.

۳-۲. نرخ حمایت مؤثر

برای محاسبه نرخ حمایت مؤثر با استفاده از نمادهای p^d برای قیمت داخلی و p^b برای قیمت خارجی، از روابط زیر استفاده شده است^۱:

$$ERP_i^c = \frac{p_i^d - \sum_{j=1}^m a_{ji} p_j^d}{r p_i^b - r \sum_{j=1}^m a_{ji} p_j^b} \quad (4)$$

$$ERP_i^b = \frac{p_i^d - \sum_{j=1}^m a_{ji} p_j^d}{r p_i^b - r \sum_{j=1}^m a_{ji} p_j^b - \sum_{j=m}^n a_{ji} p_j^d} \quad (5)$$

۱. برای اطلاع بیشتر از روش‌های محاسبه و توضیحات تکمیلی به گزارش کامل طرح مراجعه شود.

که در آن، i نمایانگر محصول، j نمایانگر نهاده‌ها، ERP_i^c نرخ حمایت مؤثر به روش کوردن و ERP_i^b نرخ حمایت مؤثر به روش بالاسا، a_{ji} مقدار نهاده j ام مورد استفاده برای تولید یک واحد محصول i و r نرخ ارز است.

با توجه به اینکه دولت به این صنایع یارانه پرداخت می‌کند، اثر این عامل را نیز باید در فرمول‌های بالا گنجانند. چنان‌که در جریان تولید، دولت به منظور حمایت از این صنایع یارانه‌ای به میزان S_i بابت هر واحد محصول پرداخت نماید، آنگاه $(1+p_i^d)$ باید به صورت کسر اضافه گردد. در نتیجه فرمول‌های بالا پس از اضافه نمودن اثر یارانه به صورت زیر اصلاح می‌گردد:

$$ERP_i^c = \frac{p_i^d + s_i(1 + p_i^d) - \sum_{j=1}^m a_{ji} p_j^d}{r p_i^b - r \sum_{j=1}^m a_{ji} p_j^b} \quad (۶)$$

$$ERP_i^b = \frac{p_i^d + s_i(1 + p_i^d) - \sum_{j=1}^m a_{ji} p_j^d}{r p_i^b - r \sum_{j=1}^m a_{ji} p_j^b - \sum_{j=m}^n a_{ji} p_j^d} \quad (۷)$$

۳-۳. انتخاب واحدها و منابع اطلاعاتی

در مقاله حاضر، نرخ حمایت اسمی و مؤثر کاغذ چاپ و تحریر، کاغذ روزنامه و کاغذ کنگره‌ای شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران و کاغذ چاپ گروه صنایع کاغذ پارس، براساس اطلاعات موجود محاسبه شده است. به منظور برآورد نرخ حمایت اسمی و مؤثر، اطلاعات راجع به قیمت‌های داخلی محصولات و نهاده‌ها از سازمان بازرسی و نظارت و سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و برخی دیگر از کارخانجات سازنده مواد اولیه جمع‌آوری گردیده است. همچنین اطلاعات مربوط به قیمت‌های جهانی (قیمت سیف محصولات و نهاده‌ها) از سالنامه آمار گمرک و نرم افزار مرکز تجارت بین‌الملل (PC/TAS) گردآوری شده است. همچنین آمار مربوط به حسابداری صنعتی شرکت‌ها (از جمله میزان مصرف مواد اولیه در هر

واحد محصول تولیدی، قیمت تمام شده، هزینه‌های سربار و ... از خود شرکت‌ها و آمار مربوط به یارانه‌ها از سازمان حمایت اخذ شده است.

لازم به ذکر است، در سال‌های مورد بررسی دولت برای حمایت از صنایع کاغذسازی کشور ارز مورد نیاز آنها را با نرخ‌های مختلف در اختیارشان قرار داده است. برای مثال، ارز آزاد، رقابتی، ترجیحی و ... در سید ارز دریافتی این کارخانه‌ها قابل مشاهده است. در این مطالعه برای یکدست کردن نرخ ارز، میانگین وزنی نرخ ارز دریافتی از سوی بنگاه‌های مورد نظر، به عنوان نرخ ارز حمایتی منظور شده است. همچنین در خصوص نرخ ارز آزاد، بر اساس اطلاعات بانک مرکزی، نرخ ارز سال ۱۳۷۸ معادل ۷۸۰۰ ریال، سال ۱۳۷۹ برابر ۸۱۸۸ ریال و سال ۱۳۸۰ برابر ۸۰۰۸ ریال در نظر گرفته شده است.

۴. برآورد نرخ حمایت اسمی محصولات منتخب

در این قسمت از مقاله، براساس اطلاعات موجود، نرخ حمایت اسمی محصولات مورد نظر طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۰ برآورد و تجزیه و تحلیل شده است. ضمناً برای بررسی اثرهای یکسان‌سازی نرخ ارز بر نرخ حمایت اسمی، محاسبات در دو حالت نرخ ارز آزاد و نرخ ارز حمایتی انجام و تحلیل شده است.

با به کارگیری فرمول‌های (۱) و (۳) و اطلاعات جمع آوری شده، نرخ حمایت اسمی برای محصولات کاغذی مورد نظر محاسبه شده که نتایج آن در جدول ۱ ارائه شده است. چنانچه از جدول ۱ ملاحظه می‌گردد، در سال ۱۳۷۸ بر اساس نرخ ارز حمایتی، تمامی محصولات از حمایت اسمی مثبت برخوردار بوده‌اند. به عبارت دیگر، از تولید این محصولات در سال مذکور بر اساس نرخ ارز حمایتی حمایت شده است، در حالی که براساس نرخ ارز آزاد، هیچ کدام از محصولات دارای حمایت اسمی مثبت نبوده‌اند. به تعبیر دیگر، اگر در سال مذکور سیاست یکسان‌سازی ارز اعمال می‌گردید، حمایت اسمی از صنایع و محصولات مورد مطالعه خنثی می‌شد. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که، با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز،

حمایت‌های قیمتی از محصولات کاغذ روزنامه، چاپ و تحریر، کنگره و چاپ برداشته شده و موجب آسیب‌پذیری آنها از اجرای سیاست مذکور می‌شود.

در سال ۱۳۷۹ قیمت داخلی کاغذ روزنامه از ۲۵۵۰۰ ریال به ۲۹۵۷۰ ریال و قیمت‌های خارجی از ۴۴۰ دلار به ۴۷۵ دلار به ازای هر تن افزایش می‌یابد. ولی به دلیل افزایش بیشتر قیمت داخلی کاغذ روزنامه و ثابت بودن نرخ ارز حمایتی، میزان حمایت دولت از تولید کاغذ روزنامه نسبت به سال ۱۳۷۸ افزایش نشان می‌دهد، به طوری که نرخ حمایت اسمی این محصول از ۲۳۱ درصد در سال ۱۳۷۸ به ۲۵۶ درصد به سال ۱۳۷۹ رسیده است. این در حالی است که همین روند در نرخ حمایت اسمی براساس نرخ ارز آزاد نیز مشاهده می‌شود و در سال ۷۹ نسبت به سال قبل به میزان ۰/۰۲ درصد به میزان حمایت اسمی از این صنعت افزوده شده است. درخصوص کاغذ کنگره‌ای و کاغذ چاپ نیز همین روند قابل ملاحظه است. در سال ۱۳۸۰ نیز برای همه محصولات یعنی کاغذ روزنامه، چاپ و تحریر، کنگره‌ای و همچنین کاغذ چاپ نرخ حمایت اسمی براساس هر دو نرخ ارز (یعنی حمایتی و آزاد) افزایش یافته است. به عبارت دیگر طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۰ هر ساله بر حمایت دولت از این صنعت افزوده شده است. باید توجه داشت که هرچه حمایت دولت از یک صنعت بیشتر باشد میزان آسیب‌پذیری آن در شرایط حذف حمایت‌ها، به عنوان مثال در صورت اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، بیشتر خواهد بود.

ستون آخر جدول ۱ نرخ حمایت اسمی را براساس اختلاف نرخ‌های ارز نشان می‌دهد. چنانچه از نسبت فوق قابل ملاحظه است سطح حمایت براساس نرخ ارز حمایتی و آزاد بیش از ۳ برابر است. کاهش این نسبت در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۹ به دلیل تقلیل حمایت دولت از این صنعت نیست، بلکه به این دلیل است که نرخ ارز آزاد نسبت به سال قبل کاهش داشته است. با توجه به اینکه تولید محصولات کاغذ روزنامه، کاغذ چاپ و تحریر، و کاغذ چاپ مشمول فهرست کالاهای ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار است، قیمت داخلی آنها نیز هر ساله از طرف دولت تعیین می‌گردد. دولت نیز به منظور حمایت از تولید و مصرف‌کنندگان، معمولاً درصدی از قیمت مصوب را خود به صورت یارانه در اختیار تولیدکنندگان آن یعنی گروه صنایع کاغذ پارس و

شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران قرار می‌دهد. به عنوان مثال قیمت مصوب کاغذ چاپ و تحریر در سال ۱۳۸۰ معادل ۴۴۸۰ ریال در ازای هر کیلوگرم تعیین شده بود که کارخانه با قیمت ۲۸۸۰ ریال به مصرف‌کنندگان تحویل داده و مابه‌التفاوت آن را که به ازای هر کیلوگرم ۱۶۰۰ ریال بود از سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان دریافت می‌نمود.

۵. برآورد نرخ حمایت مؤثر محصولات منتخب

نرخ حمایت اسمی همانند نرخ‌های حمایت تعرفه‌ای اسمی قادر به نشان دادن تصویری واقعی از میزان حمایت واقعی دریافت شده توسط صنایع نیست. زیرا این نرخ‌ها اثر سیاست‌های حمایتی مربوط به نهاده‌های تولید را به حساب نمی‌آورند. بنابراین محاسبه نرخ حمایت مؤثر، جهت رفع این کاستی شاخص نرخ حمایت اسمی، ضرورت پیدا می‌کند.

بدین ترتیب در این قسمت از مقاله سعی می‌شود نرخ حمایت مؤثر با استفاده از روش‌های بالاسا و کوردن و با لحاظ کردن یارانه دریافتی محاسبه و تجزیه و تحلیل شود. اما در محاسبه نرخ حمایت مؤثر ملاحظات زیر در نظر گرفته شده‌اند:

۱. نهاده‌های غیر قابل مبادله به روش کوردن و بالاسا وارد فرمول‌ها شده‌اند.
۲. به دلیل محدودیت‌های موجود در به‌دست آوردن نرخ تعرفه به صورت واقعی از مقایسه مستقیم قیمت‌ها به جای تعرفه‌ها استفاده شده است.
۳. یارانه اعطایی دولت به صنایع کاغذسازی، که محصولات مورد بررسی را نیز شامل می‌شود، در محاسبات دیده شده است.
۴. فرض شده بین نهاده‌های تولید امکان جایگزینی وجود ندارد.

در اینجا نیز همانند قسمت قبلی محصولات کاغذ روزنامه، کاغذ چاپ و تحریر و کاغذ کنگره‌ای از شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران و کاغذ چاپ (۷۰ گرمی) از گروه صنایع کاغذ پارس طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۰ به منظور محاسبه و تجزیه و تحلیل نرخ حمایت مؤثر به کار گرفته شده‌اند. ضمناً به منظور بررسی اثرهای یکسان‌سازی نرخ ارز بر نرخ حمایت مؤثر از صنایع

کاغذسازی، نرخ مذکور در سه حالت نرخ ارز آزاد (محصول و نهاده‌ها)، نرخ ارز حمایتی (محصول و نهاده‌ها) و تلفیقی (محصول با نرخ ارز آزاد و نهاده‌ها با نرخ ارز حمایتی) محاسبه و تجزیه و تحلیل شده است.

قبل از ورود به بحث لازم است در خصوص نرخ حمایت مؤثر منفی توضیحاتی ارائه گردد. گاهی اوقات اتفاق می‌افتد که ارزش افزوده بنگاهی حتی با لحاظ یارانه منفی می‌شود. موردی که مکرراً در مطالعات تجربی ملاحظه می‌شود، موردی است که ارزش افزوده تولید تحت حمایت به قیمت‌های تجارت آزاد مقدار منفی به خود می‌گیرد. به این مفهوم که صنعت مورد نظر بدون حمایت دولت نه تنها قادر به رقابت با محصولات مشابه وارداتی نیست بلکه ادامه فعالیت این صنعت نیز امکان‌پذیر نیست. این مسئله عموماً در خصوص ارزش افزوده جهانی در فرمول نرخ حمایت مؤثر اتفاق می‌افتد. بدین معنا که ارزش بازار جهانی مواد اولیه مورد استفاده در تولید یک واحد از محصول داخلی از قیمت جهانی آن محصول بیشتر است. این حالت ممکن است به دلایل متفاوتی؛ نظیر پایین بودن بهره‌وری، پایین بودن بازدهی تولید، بالا بودن هزینه‌های سربار تولید، وجود نیروی انسانی مازاد، اتلاف مواد اولیه، استفاده از مواد اولیه گران قیمت، بالا بودن هزینه حمل مواد اولیه نسبت به محصول نهایی و یا انحصاری بودن بازار مواد اولیه صورت پذیرد. بنابراین برای رفع این مشکل به جای نرخ حمایت مؤثر از یک معیار دیگری به نام نرخ حمایت مؤثر تعدیل شده (U)، که به صورت اختلاف ارزش افزوده داخلی از ارزش افزوده جهانی به ارزش افزوده داخلی تعریف می‌شود، استفاده شده است.^۱ مقدار این عبارت تنها در صورتی منفی می‌شود که حمایت منفی واقعی وجود داشته باشد و هنگامی که ارزش افزوده جهانی منفی است مقدار آن بزرگ‌تر از یک می‌باشد.

$$U_i = \frac{V'_i - V_i}{V'_i} = \frac{(V'_i - V_i)V_i}{V'_i V_i} = ERP_i \times \frac{V_i}{V'_i} = \frac{ERP_i}{1 + ERP_i}$$

مقیاس ERP_i می‌تواند بین منهای بی‌نهایت تا مثبت بی‌نهایت باشد، اما مقدار منفی آن می‌تواند ناشی از دو عامل باشد، چنانکه قبلاً نیز اشاره شد، اولین حالت زمانی است که ارزش

۱. Balassa, B. (۱۹۷۱). p. ۳۱۸.

افزوده جهانی (V_i) مثبت و بزرگ‌تر از ارزش افزوده داخلی (V'_i) باشد. این حالت زمانی پیش می‌آید که حمایت منفی واقعی وجود دارد و بنابراین U_i و ERP_i هر دو منفی می‌شوند. اما در حالت دوم که V_i منفی است و ERP_i نیز منفی خواهد شد، U_i مقدار مثبت را نشان خواهد داد که بیانگر حمایت واقعی دولت از صنعت مورد نظر است.

به همین منظور برای تعدیل و تصحیح نتایج محاسبات در حالت نرخ‌های حمایت مؤثر منفی، از فرمول U_i استفاده شده است. جدول‌های ۲ تا ۴ نرخ حمایت مؤثر را، در سه حالت نرخ ارز حمایتی برای محصول و نهاد، نرخ ارز آزاد برای محصول و نرخ ارز حمایتی برای نهاد و نهایتاً نرخ ارز آزاد برای محصول و نهاد، نشان می‌دهد. همچنین جدول‌های ۵ و ۶ مقدار نرخ حمایت مؤثر تعدیل شده (U_i) را برای مقادیر نرخ حمایت مؤثر منفی در دو وضعیت محصول و نهاد با نرخ ارز حمایتی و نرخ ارز آزاد نشان می‌دهد.

همان گونه که از جدول‌های ۲ تا ۴ ملاحظه می‌گردد، نرخ حمایت مؤثر به دو روش بالاسا و کوردن با احتساب یارانه محاسبه شده‌اند. با توجه به روابط بالاسا و کوردن، اگر نرخ حمایت مؤثر مثبت (منفی) باشد، آنگاه مقدار به دست آمده از روش کوردن نتیجه‌ای کوچک‌تر (بزرگ‌تر) از روش بالاسا خواهد داشت. همچنین در صورت اضافه شدن یارانه مقدار نرخ حمایت مؤثر نسبت به حالتی که یارانه اضافه نشده، بزرگ‌تر می‌شود.

جدول ۲ نرخ حمایت مؤثر کاغذ روزنامه، چاپ و تحریر، کنگره و چاپ را طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۰ براساس نرخ ارز حمایتی نشان می‌دهد. چنانچه از جدول فوق ملاحظه می‌شود، نرخ حمایت مؤثر کاغذ روزنامه به علت منفی شدن ارزش افزوده جهانی همگی منفی هستند. به‌همین دلیل جدول ۵ مقدار تعدیل یافته ERP یعنی مقادیر U_i را برای کاغذ روزنامه نشان می‌دهد. به محض تعدیل ارزش افزوده جهانی منفی، مقادیر U_i مثبت می‌گردد. به عبارت دیگر در دوره مورد بررسی، بر اساس این شاخص، حمایت مؤثری از این محصول صورت گرفته است. نتایج محاسبه به دو روش بالاسا و کوردن با لحاظ یارانه، نشان می‌دهد که به لحاظ قدر مطلق مقدار شاخص افزایش یافته است، این امر حاکی از آن است که در زمینه تأمین نهاده‌های غیرقابل مبادله تولید نیز حمایت مؤثری از این محصولات صورت گرفته است.

در مورد کاغذ چاپ و تحریر شرکت چوب و کاغذ مازندران، وقوع تغییرات شدید در قیمت، کاهش قیمت جهانی محصول و نهاده‌ها و به تبع آن کاهش در ارزش افزوده جهانی باعث افزایش عمده‌ای در نرخ‌های حمایت مؤثر، به ویژه از روش بالاسا، شده است. ضمن اینکه، با احتساب یارانه این افزایش شدت بیشتری به خود گرفته است، به طوری که نرخ حمایت مؤثر به روش بالاسا از ۸۱ درصد در سال ۱۳۷۸ به ۶۵۱ درصد به سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است. همچنین با احتساب ارز یارانه‌ای نرخ حمایت از ۳۵۲ به ۲۰۳۱ درصد رسیده است، که حمایت شدید دولت از این محصول را نشان می‌دهد. با ورود نهاده‌های غیرقابل مبادله در فرمول نرخ حمایت مؤثر به روش کوردن، نرخ حمایت مؤثر کاغذ چاپ و تحریر مازندران مثبت شده که نتایج روش بالاسا را مورد تأیید قرار می‌دهد. البته مقدار شاخص کوردن نسبت به بالاسا چنانکه قبلاً نیز گفته شد، به خاطر افزایش ارزش افزوده جهانی می‌بایست بیشتر باشد که محاسبات ارائه شده نیز این مسئله را تأیید می‌کند.

نرخ حمایت مؤثر کاغذ کنگره طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۰ چه به روش بالاسا و چه به روش کوردن همگی منفی هستند، که علت اصلی آن ارزش افزوده جهانی منفی در مورد محصول مذکور است. به همین دلیل مقادیر مثبت U_i کاغذ کنگره که در جدول ۵ آمده حاکی از حمایت دولت در سال ۷۹ و ۸۰ از این محصول است. مقادیر U_i طی سال‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که حمایت دولت از این بخش در سال ۸۰ نسبت به سال ۷۹ کاسته شده، به طوری که مقادیر شاخص بالاسا و کوردن به ترتیب از ۴۳۰ و ۵۶۱ درصد در سال ۷۹ به ۱۲۳ و ۱۳۲ درصد در سال ۸۰ کاهش یافته است.

در مورد کاغذ چاپ (۷۰ گرمی) گروه صنایع کاغذ پارس، هرچند مقدار منفی نرخ حمایت مؤثر حاکی از عدم حمایت مؤثر دولت است، ولی به علت ارزش افزوده منفی نمی‌توان آن را به درستی تفسیر نمود، بنابراین در این مورد نیز ناگزیر به استفاده از شاخص تعدیل یافته (U_i) هستیم. چنانچه از جدول ۵ ملاحظه می‌گردد، در شرایط تعدیل اثر ارزش افزوده منفی جهانی نرخ حمایت مؤثر از محصول مورد نظر مقادیر مثبت اختیار کرده، که حاکی از حمایت مؤثر دولت

از این صنعت است. ضمن اینکه، نرخ مؤثر حمایت به روش کوردن از ۱۰۹ درصد به سال ۷۸ به ۱۲۴ درصد در سال ۸۰ افزایش یافته است. همچنین، میزان حمایت دولت از این صنعت براساس شاخص بالاسا نیز از ۱۰۶ درصد در سال ۷۸ به ۱۱۱ درصد در سال ۸۰ افزایش یافته است. با اضافه کردن یارانه به شاخص‌های بالاسا و کوردن همان طوری که از جدول ۳ ملاحظه می‌گردد، مقدار قدر مطلق آنها افزایش یافته و حاکی از افزایش حمایت دولت در این خصوص است.

در ادامه به بررسی نرخ حمایت مؤثر در شرایط تلفیقی (محصول بر مبنای ارز آزاد و نهاده‌ها بر مبنای ارز حمایتی) می‌پردازیم. بدین جهت جدول ۳ نرخ حمایت مؤثر را در حالت نرخ ارز آزاد برای محصول و نرخ ارز حمایتی برای نهاده‌ها نشان می‌دهد. براساس ارقام مندرج در این جدول کاغذ روزنامه از حمایت نسبتاً خوبی برخوردار است، به طوری که به روش بالاسا، نرخ حمایت مؤثر این محصول در سال ۱۳۸۰ برابر مقدار مثبت ۴۷ درصد بوده است. ضمن اینکه با احتساب یارانه دریافتی نرخ حمایت مؤثر این صنعت در سال مذکور به ۸۵ درصد بالغ شده است (جدول ۳).

مقادیر مثبت نرخ حمایت مؤثر کاغذ چاپ و تحریر در سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۰ نیز بر اساس هر دو روش بالاسا و کوردن و بدون احتساب یارانه، حاکی از حمایت دولت از این محصول است. البته نرخ حمایت مؤثر کاغذ چاپ و تحریر نسبت به کاغذ روزنامه کمتر است (جدول ۳).

کاغذ کنگره، که جزو کالاهای مشمول تنظیم بازار نیز به حساب نمی‌آید، از سطح حمایت بالاتری نسبت به دو نوع محصول پیش گفته برخوردار بوده است. نرخ حمایت مؤثر به روش بالاسا برای کاغذ کنگره از ۶۶ درصد در سال ۱۳۷۸ به ۱۰۶ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده است. این در حالی است که کاغذ روزنامه، که جزو کالاهای مشمول طرح تنظیم بازار بوده، و از طرف دولت نیز یارانه دریافت می‌کند، در دوره مذکور با کاهش در سطح حمایت‌ها مواجه بوده است (جدول ۳).

طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۰ کاغذ چاپ (۷۰ گرمی) از گروه صنایع کاغذ پارس، از سطح حمایت‌های مثبت دولت برخوردار بوده است (جدول ۳). میزان حمایت از این صنعت در سال ۱۳۷۸ به روش بالاسا و کوردن هر دو ۳۷ درصد بوده که در سال ۱۳۸۰ به ترتیب به ۳۱ و ۳۲

درصد رسیده است. همچنین با احتساب یارانه سطح حمایت در سال ۱۳۸۰ به روش بالاسا به ۸۳ درصد و به روش کوردن به ۸۵ درصد افزایش یافته است. بدین ترتیب چنانکه ملاحظه می‌شود، کاغذ چاپ گروه صنایع کاغذ پارس از سطح حمایت بیشتری در مقایسه با کاغذ چاپ و تحریر مازندران برخوردار بوده است.

اما، اثرهای یکسان سازی نرخ ارز بر نرخ حمایت مؤثر از صنایع کاغذسازی، همان گونه که قبلاً نیز گفته شد، با لحاظ نمودن نرخ ارز آزاد ارزیابی شده است. بر این اساس جدول ۴ نرخ حمایت مؤثر کالاهای مورد نظر را تحت تجارت آزاد (برای محصول و نهاده) نشان می‌دهد. چنانچه از جدول مذکور ملاحظه می‌گردد، در خصوص کاغذ روزنامه و کاغذ چاپ و تحریر حتی با لحاظ ارز آزاد هنوز سطح حمایت دولتی بر صنایع مذکور به دلیل حاکم بودن سایر حمایت‌های دولتی مثبت بوده است. البته از آنجا که هدف این مطالعه بررسی اثرهای تغییرات نرخ ارز (سیاست یکسان‌سازی) بر حمایت مؤثر است، بنابراین بررسی سایر جنبه‌های حمایت مورد نظر نیست.

به جهت آنکه نرخ حمایت مؤثر محاسبه شده در جدول‌های ۲ و ۳ برخی مثبت و برخی منفی بوده و بررسی مقایسه‌ای را با مشکل مواجه می‌سازد، لذا در هر دو حالت برای تحلیل اثرهای یکسان‌سازی نرخ ارز، مقادیر نرخ حمایت مؤثر تعدیل شده (U_i) مد نظر قرار گرفته است.

همان طور که از جدول‌های ۵ و ۶ ملاحظه می‌گردد، کاغذ روزنامه براساس نرخ ارز حمایتی به روش بالاسا در سال ۱۳۷۸ از ۱۲۵ درصد حمایت مؤثر برخوردار بوده که میزان آن در سال ۱۳۸۰ به ۱۳۳ درصد افزایش یافته است. اما میزان حمایت مؤثر با در نظر گرفتن اثرهای یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۰ از ۱۳۳ درصد به ۶۵ درصد کاهش می‌یابد. معیار کوردن نیز با کمی اختلاف این وضعیت را تأیید می‌کند. در مورد کاغذ چاپ و تحریر نیز همین وضعیت قابل مشاهده است. نرخ حمایت مؤثر تعدیل شده یعنی U_i براساس شاخص بالاسا نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۸ این نوع محصول در کشور از حمایت ۴۵ درصد برخوردار بوده که در سال ۱۳۸۰ میزان آن به ۸۷ درصد افزایش یافته است. اما با لحاظ اثرهای یکسان‌سازی نرخ ارز با همان

شاخص بالاسا میزان حمایت در سال ۱۳۸۰ به سطح ۵۹ درصد تقلیل می‌یابد. شاخص‌های کوردن و بالاسا با احتساب یارانه نیز همین نتیجه را تأیید می‌کنند. اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز در مورد کاغذ کنگره، که از سطح حمایت‌های آشکار کمتری (از جمله عدم اختصاص یارانه) نسبت به سایر محصولات مورد نظر برخوردار بوده است، نیز منجر به کاهش حمایت واقعی از این محصول می‌گردد. به طوری که بر اساس نرخ ارز حمایتی به روش بالاسا این محصول در سال ۱۳۷۸ با حمایت منفی مواجه بوده است، که در سال ۱۳۷۹، به دلیل کاهش قیمت جهانی مواد اولیه و افزایش قیمت‌های داخلی محصول، از حمایت مثبت برخوردار شده است. البته در سال ۱۳۸۰ سطح حمایت مؤثر متعادل‌تر شده و به ۱۳۳ درصد رسیده است. همین وضعیت در مورد نرخ حمایت مؤثر تحت نرخ آزاد نیز مشاهده می‌شود، ولی میزان حمایت در تمامی سال‌های مورد بررسی نسبت به حالت قبلی (نرخ ارز حمایتی) کاهش نشان می‌دهد. این نتیجه حاکی از آن است که با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز از میزان حمایت دولت از این صنایع کاسته خواهد شد.

در مورد کاغذ چاپ (۷۰ گرمی) مقایسه سال‌های مورد بررسی حاکی از آن است که میزان حمایت دولت از تولید کاغذ مذکور با اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز با کاهش مواجه خواهد گردید، به طوری که با وارد کردن نرخ ارز آزاد سطح حمایت دولت در سال ۱۳۸۰ به روش بالاسا از ۱۱۱ درصد به ۱۰۷ درصد و به روش کوردن از ۱۲۲ درصد به ۱۱۷ درصد تقلیل می‌یابد (جدول ۶).

در مجموع مقایسه تطبیقی وضعیت حمایت مؤثر از صنایع کاغذسازی کشور حاکی از آن است که با اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز، به دلیل وابستگی صنایع مذکور به واردات مواد اولیه و واسطه‌ای و قطعات و ماشین‌آلات، از یک سو، و عدم رویکرد صادراتی این صنایع، از سوی دیگر، میزان حمایت از این صنایع با کاهش مواجه خواهد گردید.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

در این مقاله نرخ حمایت اسمی در دو حالت نرخ ارز حمایتی و نرخ ارز آزاد برای محصولات کاغذ روزنامه و کاغذ چاپ و تحریر و کاغذ کنگره‌ای از شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران و کاغذ چاپ (۷۰ گرمی) از گروه صنایع کاغذ پارس محاسبه شده است. نتایج بررسی‌ها حاکی از آن است که برای همه محصولات نرخ حمایت اسمی در هر دو حالت طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۰ روندی صعودی داشته است. با این تفاوت که در نرخ حمایت اسمی براساس نرخ ارز آزاد، حمایت دولتی کاهش یافته و در نرخ حمایت اسمی براساس ارز حمایتی، حمایت دولت از این صنعت در حال افزایش می‌باشد. از این رو، براساس این شاخص با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز حمایت دولت به طور کامل قطع و به عدم حمایت منجر می‌شود.

در ادامه ضمن بیان روش‌های اندازه‌گیری نرخ حمایت مؤثر (روش بالاسا و کوردن با لحاظ یارانه)، شاخص مذکور برای محصولات مورد بررسی طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۰ ارزیابی و تجزیه و تحلیل شده است. برای محاسبه شاخص فوق فروض بی‌نهایت بودن کشش جانشینی کالاها و وارداتی با تولید داخلی، بی‌نهایت بودن کشش عرضه خارجی برای واردات، تجزیه پذیر بودن توابع تولید و فروض بازدهی ثابت به مقیاس برای تولید کاغذ و عدم جایگزینی بین نهاده‌های تولید در نظر گرفته شده است. با عنایت به فروض بالا نتایج بررسی‌های این قسمت حاکی از آن است که در نرخ ارز حمایتی، همگی محصولات مورد بررسی در دوره مورد مطالعه از حمایت واقعی برخوردار بوده‌اند. همچنین با لحاظ محصول به نرخ ارز آزاد و نهاده‌ها به نرخ ارز حمایتی تمامی محصولات مورد بررسی همچنان از حمایت مثبت برخوردار خواهند بود.

در مجموع مقایسه تطبیقی وضعیت حمایت مؤثر صنایع کاغذسازی کشور در دو حالت ارز یارانه‌ای و ارز آزاد، حاکی از آن است که با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، به دلیل

وابستگی صنایع مذکور به واردات مواد اولیه و واسطه‌ای و قطعات و ماشین‌آلات، از یک سو، و عدم رویکرد صادراتی این صنایع، از سوی دیگر، میزان حمایت از این صنایع با کاهش مواجه خواهد گردید، لیکن یکسان‌سازی نرخ ارز به تنهایی به حذف کامل حمایت‌ها منجر نشده، و همچنان در اغلب موارد حمایت مثبت بر صنایع مورد بررسی حاکم خواهد بود.

توصیه‌های سیاستی

۱. اگر سیاست دولت در جهت حمایت از مصرف‌کنندگان و تنظیم بازار کاغذ باشد، در آن صورت سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز بر این هدف تا حدودی لطمه وارد می‌سازد، هرچند، بر اساس نتایج این تحقیق، یکسان‌سازی نرخ ارز به تنهایی به حذف کامل حمایت‌ها منجر نشده، و همچنان در اغلب موارد حمایت مثبت بر صنایع مورد بررسی حاکم خواهد بود. بنابراین در صورت نیاز به تداوم حمایت از صنایع مذکور باید از ابزارهای حمایتی دیگر نیز استفاده شود.

۲. اگر هدف دولت از یکسان‌سازی نرخ ارز، شفاف نمودن بازار محصولات و واقعی‌تر نمودن توان تولید و رقابت صنایع مختلف باشد، در آن صورت اجرای این سیاست به درستی عدم توان صنایع کاغذ داخلی را در حفظ شرایط موجود و از جمله حفظ توان رقابتی آشکار خواهد ساخت، بدین مفهوم که در صورت حذف حمایت‌ها، صنایع مذکور با مشکل جدی در حفظ تولید و رقابت در بازار به لحاظ ساختار هزینه، قیمت تمام شده و حتی کیفیت محصول مواجه خواهند گردید.

۳. با تکیه بر یافته‌های حاصل از این مطالعه، و با در نظر گرفتن اینکه آسیب‌پذیری این صنایع با توجه به وابستگی این بخش به واردات محصول از خارج در حد بالایی قرار دارد و خارج‌شدن صنایع داخلی در نتیجه حذف حمایت‌ها ممکن است تأثیر منفی شدیدی بر بازار کاغذ کشور و صنایع وابسته داشته باشد، توصیه می‌گردد دولت حمایت از صنایع کاغذسازی را، با این

تغییر نگرش و رویکرد که حمایت هدفمند، زمان‌بندی شده و محدود باشد، در میان مدت ادامه داده و حمایت از این صنایع را به سمتی سوق دهد که قادر باشند بعد از طی یک دوره بلوغ به استقلال نسبی و توان رقابتی لازم دست یابند.

جدول ۱. نرخ حمایت اسمی محصولات منتخب طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۰

نام محصول	سال	براساس نرخ ارز حمایتی	براساس نرخ ارز آزاد	براساس اختلاف نرخ ارز
کاغذ روزنامه	۱۳۷۸	۲/۳۱	-۰/۲۶	۳/۲۶
	۱۳۷۹	۲/۵۶	-۰/۲۴	۳/۶۸
	۱۳۸۰	۳/۴۴	-۰/۰۳	۳/۵۷
کاغذ چاپ و تحریر (۵۰ تا ۷۰ گرمی)	۱۳۷۸	-	-	۳/۴۶
	۱۳۷۹	۱/۹۴	-۰/۳۷	۳/۶۸
	۱۳۸۰	۲/۹	-۰/۱۵	۳/۵۷
کاغذ کنگره‌ای (فلوتینگ)	۱۳۷۸	۲/۵۹	-۰/۱۹	۳/۴۶
	۱۳۷۹	۳/۱۳	-۰/۱۲	۳/۶۸
	۱۳۸۰	۴/۲۶	-۰/۱۴	۳/۵۷
کاغذ چاپ (۷۰ گرمی)	۱۳۷۸	۱/۴۷	-۰/۴۵	۳/۴۶
	۱۳۷۹	۲/۰۴	-۰/۳۵	۳/۶۸
	۱۳۸۰	۳/۲۷	-۰/۰۷	۳/۵۷

مأخذ: محاسبات تحقیق.

جدول ۲. نرخ حمایت مؤثر محصولات منتخب طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۰
(براساس نرخ ارز حمایتی برای محصول و نهاده‌ها)

نام محصول	روش محاسبه	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
کاغذ روزنامه	بالاسا	-۴/۹۵	-۵/۴۷	-۴/۰۲
	کوردن	-۳/۸۷	-۳/۹۶	-۲/۹۹
	بالاسا با لحاظ یارانه	-۴/۹۵	-۷/۱۸	-۷/۲۴
	کوردن با لحاظ یارانه	-۳/۸۷	-۵/۲۰	-۵/۳۹
	بالاسا	۰/۸۱	۲/۶۵	۶/۵۱
کاغذ چاپ و تحریر	کوردن	۱/۱۵	۵/۰۲	۳۸/۱۳
	بالاسا با لحاظ یارانه	۳/۵۲	۱۰/۲۳	۲۰/۳۱
	کوردن با لحاظ یارانه	۴/۹۶	۱۹/۳۴	۱۱۹/۳۸
	بالاسا	-۰/۹۱	-۱/۳۱	-۵/۲۸
کاغذ کنگره	کوردن	-۰/۸۶	-۱/۲۲	-۴/۱۱
	بالاسا با لحاظ یارانه	-۰/۹۱	-۱/۳۰	-۵/۲۸
	کوردن با لحاظ یارانه	-۰/۸۶	-۱/۲۲	-۴/۱۱
	بالاسا	-۱۱/۸۶	-۲۶/۴۳	-۵/۴۷
کاغذ چاپ (۷۰ گرمی)	کوردن	-۱۱/۸۶	۱۵۹/۳۴	-۲۶/۴۹
	بالاسا با لحاظ یارانه	-۲۴/۴۴	۱۵۹/۳۳	-۲۶/۴۹
	کوردن با لحاظ یارانه	-۱۷/۲۰	-۴۹/۴۷	-۱۴/۶۵
	بالاسا	-۱۱/۸۶	-۲۶/۴۳	-۵/۴۷

مأخذ: محاسبات تحقیق.

جدول ۳. نرخ حمایت مؤثر محصولات منتخب طی سالهای ۱۳۷۸-۱۳۸۰
(براساس نرخ آزاد برای محصول و نرخ ارز حمایتی برای نهاده‌ها)

نام محصول	روش محاسبه	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
کاغذ روزنامه	بالاسا	۰/۵۹	۰/۴۶	۰/۴۷
	کوردن	۰/۶۲	۰/۴۸	۰/۴۹
	بالاسا با لحاظ یارانه	۰/۵۹	۰/۶۰	۰/۷۵
	کوردن با لحاظ یارانه	۰/۶۲	۰/۶۲	۰/۸۸
کاغذ چاپ و تحریر	بالاسا	۰/۰۵	۰/۱۱	۰/۱۸
	کوردن	۰/۰۵	۰/۱۱	۰/۱۸
	بالاسا با لحاظ یارانه	۰/۲۰	۰/۴۱	۰/۵۶
	کوردن با لحاظ یارانه	۰/۲۰	۰/۴۲	۰/۵۸
کاغذ کنگره	بالاسا	۰/۶۶	۰/۷۵	۱/۰۶
	کوردن	۰/۶۹	۰/۷۸	۱/۱۲
	بالاسا با لحاظ یارانه	۰/۶۶	۰/۷۵	۱/۰۶
	کوردن با لحاظ یارانه	۰/۶۹	۰/۷۸	۱/۱۲
کاغذ چاپ (۷۰ گرمی)	بالاسا	۰/۳۷	۰/۴۰	۰/۳۱
	کوردن	۰/۳۷	۰/۳۱	۰/۳۲
	بالاسا با لحاظ یارانه	۰/۵۴	۰/۵۷	۰/۸۵
	کوردن با لحاظ یارانه	۰/۵۴	۰/۵۷	۰/۸۵

مأخذ: محاسبات تحقیق.

جدول ۴. نرخ حمایت مؤثر محصولات منتخب طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۰
(براساس نرخ ارز آزاد برای محصول و نهاده‌ها (تجارت آزاد))

نام محصول	روش محاسبه	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
کاغذ روزنامه	بالاسا	۶/۲۴	۳/۳۴	۱/۸۲
	کوردن	۹/۶۳	۴/۳۶	۲/۱۶
	بالاسا با لحاظ یارانه	۶/۲۴	۴/۳۹	۳/۲۸
	کوردن با لحاظ یارانه	۹/۶۳	۵/۷۲	۳/۸۹
کاغذ چاپ و تحریر	بالاسا	۰/۱۸	۰/۵۷	۱/۴۲
	کوردن	۰/۲۰	۰/۶۳	۱/۷۴
	بالاسا با لحاظ یارانه	۰/۷۹	۲/۱۹	۴/۴۶
	کوردن با لحاظ یارانه	۰/۸۴	۲/۴۳	۵/۴۴
کاغذ کنگره	بالاسا	-۰/۸۶	-۱/۳۶	-۶/۵۲
	کوردن	-۰/۸۱	-۱/۲۷	-۴/۶۸
	بالاسا با لحاظ یارانه	-۰/۸۶	-۱/۳۶	-۶/۵۲
	کوردن با لحاظ یارانه	-۰/۸۱	-۱/۲۷	-۴/۶۸
کاغذ چاپ (۷۰ گرمی)	بالاسا	-۳/۷۸	۱۸/۱۹	-۱۵/۳۸
	کوردن	-۳/۴۵	۱۸۵/۷۸	-۶/۸۱
	بالاسا با لحاظ یارانه	-۵/۴۸	۳۴/۰۶	-۴۱/۲۱
	کوردن با لحاظ یارانه	-۵/۰۱	۳۴۷/۸۳	-۱۸/۲۵

مأخذ: محاسبات تحقیق.

جدول ۵. نرخ حمایت مؤثر تعدیل شده (U_i) محصولات منتخب طی سال‌های

۱۳۷۸-۱۳۸۰

(براساس نرخ ارز حمایتی برای محصول و نهاده‌ها)

نام محصول	روش محاسبه	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
کاغذ روزنامه	بالاسا	۱/۲۵	۱/۲۲	۱/۳۳
	کوردن	۱/۳۵	۱/۳۴	۱/۵
	بالاسا با لحاظ یارانه	۱/۲۵	۱/۳۹	۱/۱۶
	کوردن با لحاظ یارانه	۱/۳۵	۱/۲۴	۱/۲۳
کاغذ چاپ و تحریر	بالاسا	۰/۴۵	۰/۷۳	۱/۸۷
	کوردن	۰/۵۳	۰/۸۳	۰/۹۷
	بالاسا با لحاظ یارانه	۰/۷۸	۰/۹۱	۰/۹۵
	کوردن با لحاظ یارانه	۰/۸۳	۰/۹۵	۰/۹۹
کاغذ کنگره	بالاسا	-۹/۸۳	۶/۳۰	۱/۲۳
	کوردن	-۵/۹۲	۵/۶۱	۱/۳۲
	بالاسا با لحاظ یارانه	-۹/۸۳	۴/۳۰	۱/۲۳
	کوردن با لحاظ یارانه	-۵/۹۲	۵/۶۱	۱/۳۲
کاغذ چاپ (۷۰ گرمی)	بالاسا	۱/۰۶	۰/۹۹	۱/۱۱
	کوردن	۱/۰۹	۱/۰۴	۱/۲۲
	بالاسا با لحاظ یارانه	۱/۰۴	۰/۹۹	۱/۰۴
	کوردن با لحاظ یارانه	۱/۰۶	۱/۰۲	۱/۰۷

مأخذ: محاسبات تحقیق.

جدول ۶. نرخ حمایت مؤثر تعدیل شده (U_i) محصولات منتخب طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۰ (براساس نرخ ارز آزاد برای محصول و نهاده‌ها)

نام محصول	روش محاسبه	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
کاغذ روزنامه	بالاسا	۰/۸۶	۰/۷۷	۰/۶۵
	کوردن	۰/۹۱	۰/۸۱	۰/۶۸
	بالاسا با لحاظ یارانه	۰/۸۶	۰/۳۹	۰/۷۷
	کوردن با لحاظ یارانه	۰/۹۱	۰/۸۵	۰/۸۰
	بالاسا	۰/۱۵	۰/۳۶	۰/۵۹
کاغذ چاپ و تحریر	کوردن	۰/۱۶	۰/۳۹	۰/۶۳
	بالاسا با لحاظ یارانه	۰/۴۴	۰/۶۹	۰/۸۲
	کوردن با لحاظ یارانه	۰/۴۶	۰/۷۱	۰/۸۴
	بالاسا	-۶/۱۸	۳/۷۵	۱/۱۸
کاغذ کنگره	کوردن	-۴/۳۷	۴/۷۱	۱/۲۷
	بالاسا با لحاظ یارانه	-۶/۱۸	۳/۷۵	۱/۱۸
	کوردن با لحاظ یارانه	-۴/۳۷	۴/۷۱	۱/۲۷
	بالاسا	۱/۳۶	۰/۹۵	۱/۰۷
کاغذ چاپ (۷۰ گرمی)	کوردن	۱/۴۱	۰/۹۹	۱/۱۷
	بالاسا با لحاظ یارانه	۱/۲۲	۰/۱۷	۱/۰۲
	کوردن با لحاظ یارانه	۱/۲۵	۱/۰۰	۱/۰۶
	بالاسا	۱/۳۶	۰/۹۵	۱/۰۷

مأخذ: محاسبات تحقیق.

منابع

الف) فارسی

- مهدویان، محمد هادی (۱۳۷۰). «روشهای تحلیلی بررسی نرخ ارز»، گزارش اولین سمینار سیاست‌های پولی و ارزی، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و ارزی.
- پدرام، مهدی (۱۳۷۷). بررسی تأثیر کاهش ارزش نرخ ارز واقعی بر سطح تولید در ایران طی سال‌های (۱۳۵۸-۱۳۷۴)، (پایان‌نامه دکترا)، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ادواردز، سباستیان (۱۳۷۳). مشکل تنظیم نرخ ارز در کشورهای در حال توسعه، ترجمه اسداله فرزین وش، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- فتحی، یحیی (۱۳۷۸). بررسی کشش‌پذیری صادرات صنعتی ایران نسبت به تغییرات نرخ ارز، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، به راهنمایی دکتر اکبر نفری، تهران، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی.
- خیابانی، ناصر (۱۳۸۱). یکسان‌سازی ارز و اثر آن بر متغیرهای کلان اقتصادی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- قربانی، احمد (۱۳۷۲). بررسی سیاست‌های حمایتی در ایران و برآورد نرخ مؤثر حمایت از بخش دامپروری ایران و مقایسه با صنایع منتخب، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبایی.
- ابوالحسن، مرضیه (۱۳۷۵). محاسبه نرخ حمایت مؤثر و هزینه منابع داخلی برای فعالیت تولیدی محصولات اساسی آهن و فولاد، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه شهید بهشتی.

ب) انگلیسی

- Kiguel, Miguel, J.Saul Lizondo and Stephen A. D'connell (۱۹۹۷). *Forthcoming, Parallel Exchange rates in Developing Countries*, London, Macmillan; New York, St. Martin's Press.

- Bhagwati, Jagdish (۱۹۷۸). *Anatomy and Consequences of Exchange Control Regimes*, Cambridge, Mass, Ballinger.
- Krugman, P. and L. Taylor (۱۹۷۸). "Contractionary Effects of Devaluation", *Journal of International Economics*, No. ۸, pp. ۴۴۵ - ۴۵۶.
- Lizando, Jose Saul (۱۹۹۴), "Unification of Dual Exchange Markets", *Journal of International Economics*, No. ۲۲, pp. ۵۷-۷۷.
- Pinto, Brian and Kharas Homi (۱۹۸۹), "Exchange Rate Rules, Black Market Premia and Fiscal Deficits: The Bolivian Hyperinflation", *Review of Economic Studies*, pp. ۴۳۵-۴۴۸.
- Jan, Sundara, Michel Lazare, and Sherman Williams (January ۱۹۹۹). *Exchange Rate Unification, the Equilibrium Real Exchange Rate, and Choice of Exchange Rate Regime: The Case of the Islamic Republic of Iran*.
- Kaufnan Daniel & Stephen A. Oconnell (Feb ۱۹۹۹). "*The Macroeconomics of Delayed Exchange Rate Unification; Theory and Evidence from Tanzania*".
- Shatz J. Howard & David G. Tarr (۱۹۹۸). "*Exchange Rate Overvaluation and Trade Protection*", Trade Policy Reform in Context.
- Frieden, Jeffry, Piero Ghezzi and Ernesto Stein (March ۱۹۹۹). *The Political Economy of Exchange Rate Policy in Latin America*.
- Balassa, Bella. (۱۹۶۵). "Tariff Protection in Industrial Countries: An Evaluation", *Journal of Political Economy*, No. ۵, pp. ۵۷۴-۵۹۴.
- Balassa, Bella (۱۹۷۱). *The Structure of Protection in Developing Countries*, London Johns Hopkins Press.